ایثار و مقاومت
ارتباط با ما ۸۸۴۹۸۴۸۱

نگاه

«کشوری و شیرودی» یاوران همیشگی

وقتی برای صحبت درباره شهید خلبان علی‌اکبر قربان شیرودی سراغ دوستان و همرزمانش رفتیم، بارها و بارها اسم شهید خلبان احمد کشوری به میان آمد. نمی‌شود از شهید شیرودی گفت اما از رفیق شهیدش که پیش از او آسمانی شده بود، صحبتی به میان نیاورد. مختصری از زندگی شهید کشوری که در ۱۵ آذر ماه ۱۳۵۹به شهادت رسید را پیش‌رو دارید.

خلبان شهید احمد کشوری در تیرماه ۱۳۳۲در فیروزکوه به دنیا آمد. شاگرد ممتاز مدرسه بود و به ورزش کشتی و رشته‌های هنری علاقه‌مند بود. احمد سال ۱۳۵۱ وارد هوانیروز ارتش شد. بعد از پیروزی انقلاب و از همان آغاز جنگ داخلی خصوصاً غائله کردستان چنان از خود کیاست، لیاقت و شجاعت نشان داد که وصف ناکردنی است. عشق شهید کشوری به امام، چه قبل از انقلاب و چه بعد از انقلاب وصف ناکردنی بود. بعد از انقلاب وقتی برای امام کسالت قلبی پیش آمده بود، او در سفر بود. وقتی این خبر را شنید، از ناراحتی ماشین را کنار جاده نگه داشت و در حالی که می‌گریست، گفت: «خدایا از عمر ما کم کن و به عمر رهبرمان بیفزا.»

احمد کشوری بر این عقیده بود که تا در این دنیاست و فرصتی وجود دارد، باید توشه‌ای برای آخرت بسازد. هرگز لحظه‌ای از حرکت و تلاش باز نایستاد؛ طوری که می‌گویند بارها در هوای ابری و حتی بارانی پرواز کرد. او امدادهای خدا را می‌دید و به جهان جاودانی می‌اندیشید. علی محمد آزاد یکی از همرزمان شهید می‌گوید: «وقتی قرآن می‌خواند، هر کاری داشتیم رها می‌کردیم و به صدای ایشان گوش می‌سپردیم. در بعضی عملیات‌ها به منظور شناسایی، همراه هلی‌کوپتر «چت رنجر» به منطقه اعزام می‌شدیم. وقتی شناسایی انجام می‌شد، در یکی از نقاط ملک‌شاهی که از قبل به عنوان محل قرار در نظر گرفته بودیم، به هم می‌رسیدیم. منطقه را ارزیابی می‌کردیم و بعد کشوری، قرآن تلاوت می‌کرد. با آن که منطقه کاملاً نظامی بود و از هر طرف خطر را احساس می‌کردیم، اما سایر هلی‌کوپترها بیسیم را روشن می‌کردند و به صدای دلنشین او گوش می‌دادند. گویی جنگ نبود و در منطقه عملیاتی نبودیم. یکی از دلایل قوت قلب نیروها و پیشروی آنان تا عمق مواضع عراقی‌ها، همان توسل به قرآن بود.»

سرهنگ باباجانی یکی دیگر از دوستان شهید از ماجرای شلیک نکردن «شهید کشوری» به زن و بچه عراقی حین مأموریت می‌گوید: «یک بار از ایلام برای هدف قرار دادن مواضع مهمات عراقی‌ها رفته بود. به آن روستا و نزدیکی انبار مهمات که رسیده بود، از بالا زنی را دیده بود که بچه‌ای در کنارش ایستاده و در حال آویزان کردن لباس روی طناب رخت بوده. احمد از همان جا بدون آنکه شلیک کند، برگشته بود. همه اعضای گروه پرواز به او اعتراض کردند که چرا مأموریت را کنسل کردی؟ ولی احمد دلش راضی نشده بود که روستاییان را بمباران کند گفته بود ما با افراد غیرمسلح دشمنی نداریم.»

گفت‌وگوی «جوان» با امیرخلبان حسن عابدینی به مناسبت سالروز شهادت شیرودی اسوه شهامت و ایثار

موفقیت نیروهای انقلاب مقابل تجزیه‌طلبان کردستان مرهون تلاش‌های شیرودی بود

صغری خیل فرهنگ

شهید خلبان علی‌اکبر قربان شیرودی، دی ماه ۱۳۳۴ در روستای بالاشیرود از توابع شهرستان تنکابن متولد شد و سال ۱۳۵۱ به عضویت ارتش درآمد. با اوج‌گیری جنگ در کردستان، شهید شیرودی و چند تن دیگر از خلبانان وارد جنگ شدند. شیرودی همیشه در عملیات‌های پروازی خود تلفات سنگینی به نیروها و تجهیزات دشمن در نقاط استراتژیکی غرب کشور وارد کرد و پس از چند هزار مأموریت هوایی و انجام بالاترین پروازهای جنگی در دنیا در ۸ اردیبهشت ۱۳۶۰ در منطقه بازی دراز به شهادت رسید. شهید خلبان علی‌اکبر قربان شیرودی خلبانی بود که امام خامنه‌ای در وصفش فرمود: «شیرودی اولین نظامی بود که به او اقتدا کردم.» برای آشنایی با این عقاب تیزپرواز دوران دفاع مقدس با سر تیپ دوم بازنشسته جانباز حسن عابدینی همکلام شدیم تا از روزهای همرزمی و جهاد با شهید شیرودی برایمان روایت کند.

خود شما چه زمانی وارد ارتش شدید؟ همدوره‌ای شهید شیرودی بودید؟

خیر، من سال ۱۳۵۴ وارد دانشکده افسری شده و سال ۵۷ فارغ‌التحصیل شدم. شیرودی ورودی سال ۱۳۵۲ بود. در بحبوحه پیروزی انقلاب اسلامی وارد پایگاه هوانیروز کرمانشاه شدم و بعد از ۹ ماه حضور در پایگاه بود که امام خمینی (ره) دستور دادند: نظامی‌ها پایگاه‌ها را ترک کنند و بر آنها واجب است که در رژیم طاغوت خدمت نکنند. من هم بر حسب وظیفه شرعی پادگان را ترک کردم و به مشهد پیش دایی‌ام که روحانی بود رفتم. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی برمبنای فرمان امام خمینی(ره) که فرمودند: نظامی‌ها از دوم تا پنجم اسفند ماه به پایگاه‌ها برگردند، مجدداً به پایگاه هوانیروز کرمانشاه برگشتم و مشغول انجام وظیفه شدم.

آشنایی شما و شهید شیرودی از کجا شکل گرفت؟

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تحرکات زیادی از سمت ضد انقلاب در کردستان صورت گرفت. اوضاع و احوال کردستان باعث شد تا نیروها از جمله شهید شیرودی به سمت کردستان بروند. من هم یکی از نیروهای داوطلبی بودم که به کردستان رفتم و به عنوان سرپرست هوانیروز ارتش در ارومیه مشغول شدم.

اما از آنجایی که تبلیغات زیادی علیه حضور ما در غرب کشور و دفاع در برابر ضد انقلاب صورت گرفته بود، این شبهه در ذهن تعدادی از پرسنل ایجاد شده بود که چرا باید در کردستان باشیم؟ شهید شیرودی به گروهان یک نجومی که من آنجا خدمت می‌کردم آمد و از چرایی رفتنمان به کردستان، حضور ضد انقلاب در غرب کشور و فعالیت معاندان نظام برای رسیدن به مقاصد شومشان صحبت کرد. من شهید شیرودی را همان روز ملاقات کردم و بعد از آن دوستی و رفاقتمان شروع شد و تا زمان شهادت در خدمت این بزرگوار بودم. شهید شیرودی که در جریانات پیروزی انقلاب با پیشمرگان کرد مسلمان همکاری کرده بود، با تشکیل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به سپاه غرب کشور ملحق شد.

شهید شیرودی خلبانی بود که ابهت خاصی در انجام عملیات‌ها داشت و بچه‌ها از او حرف شنوی داشتند. ایشان به عنوان یک قهرمان ملی برای همه مردم ایران شناخته شده است. طرح‌ها و برنامه‌هایی را که شهید چمران، فلاحی و صیاد شیرازی داشتند با درایت به مرحله اجرایی می‌رساند و به عنوان لیدر تیم‌های عمل کننده به خوبی وارد عمل می‌شد

از مهارت‌های پروازی شهید شیرودی خیلی شنیده‌ایم، عملکرد ایشان را در میدان نبرد چطور دیدید؟

شهید شیرودی یک خلبان دلیر، توانمند و زبده بود. با شروع جنگ تحمیلی در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ به منطقه کرمانشاه رهسپار شد. شجاعت و ابتکار عمل این شهید در جنگ سرآمد بود. اهل دریافت پاداش و ارتقای درجه هم نبود. آمده بود تا با تمام توان از تمامیت ارضی کشور دفاع کند و رضایت امام خمینی و تحقق آرمان‌های انقلاب برایش در اولویت قرار داشت. سال ۱۳۵۹ بود که عراق نیروهایش را مجهز کرده بود که از طرف قصرشیرین به سمت سرپل ذهاب حرکت کند و تصمیم داشت پادگان سرپل ذهاب و شهر سرپل ذهاب را تصرف کند.

فرمانده توپخانه لشکری در منطقه سرپل ذهاب سرهنگ مصلحی بود. شهید شیرودی به سرهنگ مصلحی گفته بود اگر شما بتوانید با توپخانه‌تان امشب تا صبح جلوی نیروها را بگیرید، ما فردا از ساعت چهار و نیم صبح وارد عملیات می‌شویم و بعد از آن کار را به ما بسپارید، ما نمی‌گذاریم پادگان و شهر سرپل ذهاب سقوط کند. سرهنگ مصلحی که الان نمی‌دانم در قید حیات هستند یا نه! به این سخن شهید شیرودی جامه عمل پوشانده بود و با توپخانه تا صبح در مقابل این متجاوزان مقاومت کرده و آتش پرحجمی روی سرشان ریخته بود. شهید شیرودی و تیم‌های آتش هوانیروز و هلی‌کوپترهای کبری و ۲۱۴ بر لشکرهای زرهی صدام هجوم بردند و تعداد زیادی از تانک‌هایشان را منهدم کردند. نیروهای عراقی مجبور به عقب‌نشینی شدند و پادگان سرپل ذهاب و شهر سرپل ذهاب از تهدید دشمن در امان ماند و به لطف خداوند توانستیم شهر و پادگان را حفظ کنیم و حتی چند کیلومتر به خارج از شهر برگشتند.

در جایی خواندیم که شهید شیرودی نقش بی‌بدیلی در جریانات انقلاب و همراهی و همکاری با پیشمرگان مسلمان داشت.

زمانی که کردستان مورد هجوم ضد انقلاب قرار گرفته بود به طوری که می‌توان گفت کردستان غیرمستقیم از پیکره جمهوری اسلامی جدا شده بود و تقریباً شهرهای بزرگ این شهر در اختیار کومله، دموکرات و گروه‌های تروریستی و سران فراری رژیم شاهنشاهی قرار داشت که همگی قصدشان ضربه زدن به انقلاب بود نیروهای ما از شش و هفت صبح تا ساعت چهار و پنج بعدازظهر در جاده‌های کردستان تردد می‌کردند و با رفتن نیروهای ما مجدداً آنها در اختیار ضد انقلاب قرار می‌گرفت.

کردستان وضعیت متلاطم و غیرقابل پیش‌بینی داشت. خدا رحمت کند شهید چمران، صیاد شیرازی و شهید فلاحی را که با حضورشان و طرح‌هایی که به همت نیروهای نظامی و هوانیروز ارتش و با حضور درخشان شهید شیرودی انجام و اجرایی شد توانستیم کردستان را مجدداً به میهن بازگردانیم. من هم افتخار این را داشتم که در خدمت شهید صیاد باشم و ایشان من را به عنوان فرمانده شمالغرب انتخاب کردند. سرکوب نیروهای ضد انقلاب مدت زیادی طول کشید و حتی بعد از جنگ هم ادامه داشت.

ولی ساماندهی به نحوی بود که به لطف خدا و به مرور یکی یکی شهرهای کردستان را از دست ضد انقلاب خلاص کردیم و بحق باید گفت مردم اصیل و غیور کردستان همکاری صمیمانه‌ای را با نیروهای نظامی در کردستان داشتند و اگر همکاری آنها نبود ما در بسیاری از شهرها و جاده‌های مواصلاتی به مشکل برمی‌خوردیم.

به همین علت بود که شهید شیرودی در کردستان به شدت درخشید؟

ما شهدای زیادی را در هوانیروز داریم که به‌رغم حماسه‌آفرینی‌هایشان گمنام ماندند. شهید کشوری و شهید شیرودی از این دست شهدا هستند.

شهید شیرودی خلبانی بود که ابهت خاصی در انجام عملیات‌ها داشت و بچه‌ها از او حرف شنوی داشتند. ایشان به عنوان یک قهرمان ملی برای همه مردم ایران شناخته شده است. طرح‌ها و برنامه‌هایی را که شهید چمران، فلاحی و صیاد شیرازی داشتند با درایت به مرحله اجرایی می‌رساند و به عنوان لیدر تیم‌های عمل کننده به خوبی وارد عمل می‌شد.

گویا انس و الفتی خاص بین مردم کردستان و شهید شیرودی برقرار شده بود و همین همدلی بهانه همراهی بیشتر این مردم در کسب پیروزی‌ها در مقابله با ضد انقلاب شد.

شهید شیرودی به عنوان الگو و قهرمان ملی مذهبی در منطقه کردستان در بین مردم کاملاً شناخته شده بود. هر زمان که وارد کردستان می‌شد مردم به استقبالش می‌آمدند. شهید شیرودی خودش را خادم مردم می‌دانست و به همین دلیل بود که محبوبیت خاصی میان مردم داشت. مردم کردستان شهید را با شجاعت می‌شناسند. وقتی وارد می‌شد مردم به استقبالش می‌آمدند. علاقه خاصی به شیرودی داشتند چراکه او در برخورد با ضد انقلاب مماشات نمی‌کرد.

شهادت شهید شیرودی چطور رقم خورد؟

روز ۸ اردیبهشت ماه ۱۳۶۰ یکسری عملیات‌هایی در منطقه انجام شد. نیروهای عراقی مجدداً قصد تصرف برخی مناطق را داشتند و شهید شیرودی و تعدادی از دوستان موفق شدند نیروها را به عقب برگردانند. شهید در آخرین نبرد هم جانانه جنگید و بعد از آنکه چهارمین تانک دشمن را زد، ناگهان گلوله یکی از تانک‌های عراقی به هلی‌کوپتر اصابت کرد و شیرودی همانجا به شهادت رسید.

عکس‌العمل مردم و همرزمانش بعد از شنیدن خبر شهادت چگونه بود؟

وقتی مردم، بچه‌های ارتش و هوانیروز این خبر را شنیدند، شوکه شدند. من برای چند ساعت بهت‌زده و حیران بودم که ما یک قهرمان ملی را از دست دادیم. چون شیرودی در تمام عملیات‌ها چه در کردستان و چه در دیگر مناطق عملیاتی غرب کشور به صورت بسیار جدی وارد عمل می‌شد، همه بچه‌های هوانیروز و ارتش بسیار ایشان را دوست داشتند و واقعاً وقتی شهید شیرودی به شهادت رسید، در شهادتش ماتم گرفتند.

اما در عین حال چون نظامی هستیم باید در آن شرایط بر خود مسلط باشیم و ادامه کار را انجام دهیم. از این‌رو دوستان بعد از شهادت خلبان شیرودی در منطقه مستقر شدند و راه ایشان را ادامه دادند و بحق باید گفت که هوانیروز به عنوان یک نیروی هم هوایی و هم زمینی در این جنگ هشت ساله خودش را اثبات کرد. بهترین و زیباترین حرکت هوانیروز در عملیات مرصاد بود که در آن عملیات هم نمونه دیگری از این دلیرمردان شهید صیادشیرازی هدایت عملیات را به عهده داشت و بزرگ‌ترین ضربه را به منافقین زد و برای همیشه جاودانه شد.

اگر امکان دارد از روزهایی که در کنار هم گذراندید برایمان خاطراتی را تورق کنید.

همه حضور ما در طول عملیات‌ها و مأموریت‌ها خاطره بود. شهید شیرودی خلبان هلی‌کوپتر کبری بود و من هم خلبان هلی‌کوپتر ۲۱۴. خاطراتم همان مأموریت‌ها و پروازهایی بود که بحمدالله به بهترین نحو انجام می‌شد. یکی از نکاتی که همواره از آن روزها به یاد دارم منش و رفتار شهید شیرودی در طول عملیات بود و ایشان در زمان اجرای مأموریت‌ها بسیار جدی و راسخ بود. بعد از اتمام عملیات‌های محوله در دورهمی‌هایی که با بچه‌های پروازی داشتیم ایشان را فردی بسیار شوخ‌طبع و شاد می‌دیدیم، گویی این شیرودی چند ساعت پیش که در عملیات حضور داشت نبود. همین منش و اخلاق او بود که بسیاری از نیروها را مجذوب خویش کرده بود.

خاطره‌ای دیگر از رأفت و درایت او در طول انجام مأموریت دارم که برایتان روایت می‌کنم. دریکی از روزها برای جلوگیری از نفوذ ضد انقلاب حین تردد مردم عادی کردستان بین سقز و منطقه دیوان دره پرواز می‌کرد تا با رصد منطقه، مردم بتوانند به راحتی رفت‌وآمد کنند و مشکلی از طرف ضد انقلاب برایشان ایجاد نشود. من از زبان خودش شنیدم و با هم در همان روز صحبت می‌کردیم رو به من کرد و گفت: داشتم در کنار جاده پرواز می‌کردم و می‌دیدم که گلوله‌هایی به سمت من می‌آید اما در جاده جز ماشین وسیله‌ای نبود که بشود حدس زد احتمال شلیک این گلوله‌ها از طرف آن وسیله است.

خیلی گشتم و به بچه‌ها گفتم حواستان باشد گلوله‌ها از کجا می‌آیند. ما کنار جاده پرواز می‌کردیم، بررسی کردیم متوجه شدیم گلوله‌ها از داخل مینی‌بوسی که حامل مردم است به سمت ما شلیک می‌شود. گویا نیروهای ضد انقلاب داخل مینی‌بوس بودند. ما این مینی‌بوس را گرفتیم. نیروهای ضد انقلاب داخل مینی‌بوس با اسلحه مردم را تحت فشار قرار دادند که سکوت کنند و حرکتی نکنند. شهید شیرودی با پرواز بالای مینی‌بوس و کنترل تحرکاتش موفق شد این مینی‌بوس را از طریق نیروهای عمل کننده که در حاشیه جاده‌ها مستقر بودند متوقف و آنها را دستگیر کنند.

بچه‌های ما شهامت و شجاعت و از خودگذشتگی داشتند، ممکن بود برای شهید شیرودی و دوستانش مشکلاتی به وجود آید ولی اینها این خطر را پذیرفتند که به آن مینی‌بوس شلیک نکنند مبادا مردم عادی آسیب ببینند.

امیدوارم همه این شهامت‌ها و دلاوری‌ها ثبت و در مدارس و دانشگاه‌ها تدریس شود تا همه بدانند چه‌ها بر این مردان بی‌ادعا گذشت و این دفاع جانانه‌ای که مردان غیور سرزمینمان در آن شرایط انجام دادند برای همیشه ثبت و الگوی جوانان شود و مردم قدر این دلاوران را بیشتر بدانند

در پایان صحبتی دارید بفرمایید.

امیدوارم همه این شهامت‌ها و دلاوری‌ها ثبت و در مدارس و دانشگاه‌ها تدریس شود تا همه بدانند چه‌ها بر این مردان بی‌ادعا گذشت و این دفاع جانانه‌ای که مردان غیور سرزمینمان در آن شرایط انجام دادند برای همیشه ثبت و الگوی جوانان شود و مردم قدر این دلاوران را بیشتر بدانند.

در بخش‌هایی از وصیتنامه شهید شیرودی می‌خوانیم:

«هنگامی که پرواز می‌کنم احساس می‌کنم همچون عاشق به سوی معشوق خود نزدیک می‌شوم و در بازگشت هر چند پروازم موفقیت‌آمیز بوده باشد، مقداری غمگین هستم چون احساس می‌کنم هنوز خالص نشده‌ام تا به سوی خداوند برگردم.»

«اگر برای احیای اسلام نبود، هرگز اسلحه به دست نمی‌گرفتم و به جبهه نمی‌رفتم. پیروزی‌های ما مدیون دست‌های غیبی خداوند است. این کشاورززاده تنکابنی، سرباز ساده اسلام است و به هیچ یک از حزب‌ها و گروه‌ها وابسته نیست. آرزو دارم که جنگ تمام شود و به زادگاهم بروم و به کار کشاورزی مشغول شوم.»

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۵۹۱۳

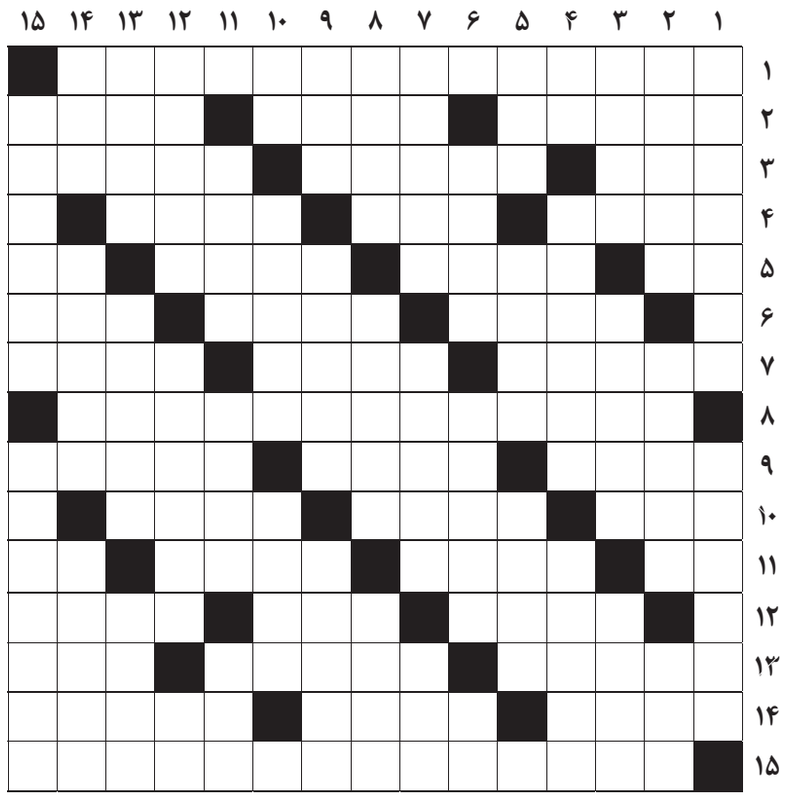

از راست به چپ

■ ۱- فرصت کار و فعالیت به کسی دادن، اجازه زور آمایی دادن ■ ۲- فرهنگ لغت فرانسوی- شهر کاشی در استان یزد- کمیته جهانی ضد دوپینگ ■ ۳- توانایی مالی- ماه انقلاب روسیه- پیک نیک ■ ۴- خشمگین- به‌جز- همتایی ندارد ■ ۵- تیمی در فوتبال فرانسه- رایزنی- آهنگر شاهنامه- گیاه مرداب ■ ۶- پرتابه ورزشی- جورچین- بیماری سبزی آلوده ■ ۷- هراسه- برای اینکه- پیامک ■ ۸- کنایه از ناامید شدن و ناکامی ■ ۹- کنجد کوبیده- چرم براق- امور ■ ۱۰- نی‌نی نشده- روشنی- رود مقدس آلمان‌ها ■ ۱۱- کشیش- ظرف فلزی- از روزنامه‌های چاپ آلمان- صنم ■ ۱۲- بلند؛ مرتفع- جایز و شایسته- قسمت حساس رایانه ■ ۱۳- حق الشرب- ماما- همسر حضرت یعقوب ■ ۱۴- سلطان فصل‌ها- انسان- مرکز استان انبار عراق ■ ۱۵- دانشمند، منجم و ریاضیدان ایرانی صاحب آثاری چون آثار الباقیه و قانون مسعودی

از بالا به پایین

■ ۱- نمایش توأم با موسیقی، رقص، و آواز- دگرگونی سیاسی ■ ۲- گلی خوشبو- درس دادن- قیمت ■ ۳- شهری در سوریه- از شهرهای آلمان- جوانی ■ ۴- ضمیر بی حضور- سیب‌زمینی سرشاراز این ماده مغذی است- دالان ■ ۵- سوره زنان- بره یک ساله- شیرکوهی ■ ۶- برگه دعوت- شهر مقر فیفا- حرف خطاب ■ ۷- آکندگی معده- فرسوده و کم استقامت- کاسه ■ ۸- ابریشم- اختراعی از کریستوفری ایتالیایی- خدای هندی ■ ۹- نهی از بردن- نوعی کباب برگ- سیم پیچ ■ ۱۰- ناپسند- واجار- پول عمان ■ ۱۱- قلمرو فرمانروایی- پرخور- آواز پنهانی دل در حالت ترس ■ ۱۲- غذای تبریزی- مترادف حراج- دفعه و مرتبه ■ ۱۳- همراه دارا- فیلم غرب وحشی- شعله آتش ■ ۱۴- دستی- فرزند نتیجه- قطع کردن ■ ۱۵- آنچه شیران را کند روبه مزاج- دوره دبستان

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

		۱			۷			
	۴	۶		۳				
						۸		۳
۸						۷	۵	
	۲		۴					
			۷	۱	۲		۳	
	۶	۹						۷
					۴	۹		۱
				۷	۱			

جدول کلمات متقاطع

پاسخ جدول شماره ۵۹۱۲

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	ک	ر	ا	■	ط	ب	ر	س	ت	ا	ن	■	ن	ا	ن
۲	ش	ب	ی	ه	■	ز	ب	و	ر	■	ه	م	ا	ی	ش
۳	و	ا	ز	د	ه	■	ح	ر	ی	ر	■	غ	ک	ا	س
۴	ر	غ	د	م	■	ر	ب	ل	و	ف	■	ا	م	ا	ت
۵	چ	ی	■	م	ت	غ	ف	ن	■	ا	ل	پ	ر	■	و
۶	ک	■	ت	و	ا	ن	ا	■	ب	ن	ا	ن	■	ا	ب
۷	م	ل	ا	س	■	ا	ز	م	ا	ی	ش	■	ا	و	ر
۸	ه	ا	ل	ی	ت	■	م	ا	ز	■	ر	و	ی	ی	خ
۹	ا	ل	ی	■	م	ا	ت	ر	ی	س	■	ی	س	ن	ا
۱۰	ی	ا	■	ت	ی	ل	ر	■	چ	ا	ش	م	ن	ی	س
۱۱	ا	■	ا	س	ی	ب	■	ر	ه	ن	م	ا	■	ک	ت
۱۲	ر	ف	و	■	ز	و	ن	ا	■	ا	ل	■	چ	ل	ک
۱۳	و	ا	ر	و	■	م	ی	ش	ی	■	ا	ش	ک	ا	ر
۱۴	پ	ی	ک	ا	ر	■	ا	گ	ا	ه	■	ح	ا	س	د
۱۵	ا	ز	ت	■	ف	ر	م	و	ل	ی	ک	■	پ	ه	ن